

تبیین اهمیت‌ها، الزامات، زمینه‌ها، موانع و محدودیت‌های عدالت گستری

در مناطق روستایی ایران

دکتر عرب فاضل‌نیا - استادیار گروه جغرافیا - دانشگاه زابل

پیش‌درآمد:
در پی فراخوان و دعوت‌نامه رسمی از طرف دبیرخانه دومین نشست اندیشه‌های راهبردی در جمهوری اسلامی با محوریت موضوع عدالت، (این نشست در تاریخ سه‌شنبه ۱۳۹۰/۲/۲۷ و با هم اندیشی و تبادل نظر رهبر معظم انقلاب و دده‌نفر از اندیشمندان، منتقدان، استادان و محققان دانشگاهی و حوزوی برگزار و حقیر نیز شرف حضور در آن را یافتم) مبنی بر نگارش خلاصه دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خود پیرامون محورهای مورد نظر نشست فوق، اینجانب با کمال افتخار و خرسندی، و بر حسب تکلیف و وظیفه دینی و علمی خود، با دقت و وسواس تمام اقدام به تهیه و تدوین دو متن سخنرانی تخصصی کرده و در موعد مقرر به دبیرخانه نشست ارسال کردم.

متن مقاله‌ای را که پیش رو دارید، یکی از دو متن ارسالی اینجانب به دبیرخانه دومین نشست اندیشه‌های راهبردی در جمهوری اسلامی با محوریت موضوع عدالت می‌باشد، که قرار بود در قالب سخنرانی در محضر مقام معظم رهبری ارائه شود که به علت ضیق وقت و طولانی شدن پرسش و پاسخ مقالات این امر میسر نشد. با این وجود با کمال صبر متنی فوق به عنوان یکی از ۳۶ مقاله برگزیده نشست، در مجموعه مقالات دومین نشست اندیشه‌های راهبردی در جمهوری اسلامی با محوریت موضوع عدالت به چاپ رسیده است. اینک فرصت را مغتنم شمرده و متن مقاله فوق را تقدیم علاقمندان می‌نمایم.

چکیده:

مطالعات متعدد، حکایت از وجود انواع نابرابری‌ها در درون مناطق روستایی و نیز بین این مناطق و سایر مناطق دارد. قاعدتاً از جمله اهداف مهم مدنظر در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، کاهش این نابرابری‌ها و تحقق بخشیدن به ایده «عدالت و پیشرفت» در کل کشور و از جمله در مناطق روستایی می‌باشد. بر این اساس، مقوله عدالت گستری که قاعدتاً درصدد محو و یا حداقل کاهش این نابرابری‌هاست، ضرورت و چند وجه و کم و کیف و نیز راه کارهای اجرایی این سیاست، به عنوان یک جریان اندیشه‌ای هم راستا با آرمان‌های دینی و نظام مقدس جمهوری اسلامی موضوعیت می‌یابد. در این میان یک گام اساسی، شناسایی زمینه‌ها، موانع و محدودیت‌های تحقق این آرمان در کل کشور به ویژه در مناطق روستایی می‌باشد که محور این مقاله را تشکیل می‌دهد.
واژه‌های کلیدی: عدالت گستری، مناطق روستایی، زمینه‌ها، موانع و محدودیت‌ها.

مقدمه:

این باور به وضوح به اثبات رسیده است، که توسعه بدون عدالت امکان پذیر نیست و چنین توسعه‌ای اگرهم در کوتاه مدت حاصل شود، در درازمدت خسارت‌های جبران ناپذیری را تحویل خواهد کرد. از این رو مقوله عدالت گستری در عرصه‌های عملی و نظری به دغدغه عمومی بشریت امروز تبدیل شده است(۱). از این رو تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی، هدف اساسی دولت‌های اسلامی به حساب آمده و به عنوان شاخص فعالیت‌های جامعه اسلامی به شمار می‌رود(۲). شناخت نابرابری‌ها و بی تعادلی‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف (شهر و روستا) و در نتیجه بی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاستگذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها از وظایف اساسی متولیان توسعه مناطق به شمار می‌آید(۳). ازجمله مناطقی که همواره با بی عدالتی مواجه بوده و با گذشت زمان این نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها رنگ و شکل خود را عوض نموده‌اند، مناطق روستایی ایران می‌باشد. واقعیت این است که روستایان از قشرهای زحمتکش جامعه بوده و با فعالیت در بخش کشاورزی، دامپروری و غیره همواره در راه استقلال ملی تلاش نموده‌اند. در عین حال مطالعه سیر تاریخ و تحولات اوضاع و احوال مناطق روستایی بیانگر وجود انواع بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها مرتبط با این مناطق می‌باشد.

به طور کلی نابرابری‌های موجود در مناطق روستایی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نابرابری در درون جامعه روستایی و نابرابری در بین مناطق روستایی و شهرها. از جمله نابرابری‌های درون جامعه می‌توان به تفاوت در فرصت‌های زندگی که شامل تفاوت درآمدی، تفاوت در آموزش، تفاوت در امید به زندگی و تفاوت‌های جنسیتی اشاره نمود.

شاید بتوان گفت تفاوت بین شهر و روستا که غالباً ناشی از سطوح متفاوت توسعه یافتگی است، در اثر بی توجهی به روستاها و تمرکز نماندن امکانات در شهرها ایجاد شده است. بدون شک این مسئله منجر به بروز انواع نابرابری بین مناطق شهری و روستایی شده است. بر این اساس، مقوله عدالت گستری که قاعدتاً درصدد محو و یا حداقل کاهش این نابرابری‌هاست، ضرورت و چند و چون کم و کیف و نیز راه کارهای اجرایی این سیاست، به عنوان یک جریان اندیشه‌ای هم راستا با آرمان‌های دینی و نظام مقدس جمهوری اسلامی موضوعیت می‌یابد.

با مطالعه آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره)، به عنوان بنیان گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی در می‌ایم که از منظر ایشان، مقوله عدالت گستری به عنوان یکی از ارکان و آرمان‌های نظام مطرح و همواره بر آن تأکید داشته است. بنابراین در آغاز دهه چهارم عشر پر برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و در دهه‌ی عدالت و پیشرفت، ضرورت پرداختن به مقوله عدالت گستری، بیش از پیش بر بهگان آشکار و اهمیت یافته است. لذا اینکه در اندیشه تهیه و تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برنامه‌ای، لازم است تا مقوله عدالت گستری به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مباحث، مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، تحقیق حاضر در پی تبیین اهمیت‌ها، الزامات، زمینه‌ها، موانع و محدودیت‌های تحقق عدالت گستری در مناطق روستایی برآمده است، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این راستا برخی سوالات مبنایی قابل طرح می‌باشند که این تحقیق در پی پاسخ گویی به آنها برآمده است، برخی از این سوالات به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱- اساساً تحقق عدالت در مناطق روستایی (عدالت گستری) مستلزم وجود چه زمینه‌ها و شرایطی می‌باشد؟

به عبارت دیگر چه زمینه‌ها و چه شرایطی تحقق عدالت در مناطق روستایی کشور را تسریع و تسهیل می‌بخشد؟
۲- اساساً چه موانع و محدودیت‌هایی تحقق آرمان‌های عدالت گستری در مناطق روستایی کشور را با مشکل مواجه می‌کند؟

اهمیت و ضرورت عدالت گستری در مناطق روستایی ایران:

عدالت نیازی انسانی و اجتماعی است که در روابط میان حکومت و مردم و رسوم و قراردادهای اجتماعی، قوانین و برنامه‌ها و همچنین در برخورد افراد با یکدیگر تبلور می‌یابد. عدالت فضیلتی است که تحول جوامع



بشری به آن وابسته است. بدون شک، فقدان عدالت در اجتماع، باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفای عمومی می‌شود و معمولاً چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی کسوت و اضمحلال پیش می‌رود(۴). بنابراین در تمامی حکومت-ها به ویژه حکومت‌های دینی گسترش عدالت یکی از ضروریات محسوب می‌باشد. بر این اساس، حکومت دینی با فراهم آوردن زمینه عدالت گستری و از بین بردن فقر و تبعیض در جامعه و با ایجاد وسعت و گشایش در معیشت، رشد و کمال انسان را در امور مادی و معنوی فراهم نماید.

از جمله مناطقی که همواره تشنه و خوارست عدالت بوده و در عین حال، هیچگاه توجه و رسیدگی به مسايل و مشکلات آنها در اولویت قرار نداشته، مناطق روستایی می‌باشد. روستایان در طول تاریخ و به دلایل متعدد، از اقتضای محروم جامعه بوده و چهره کربه فقر، محرومیت، بی‌عدالتی و نابرابری همواره بر چهره آنان نمایان بوده و آنها را آزرده است. معیشت غالب و اصلی بیشتر روستایان، مبتنی بر فعالیت‌های کشاورزی بوده، از رو عدم رفع مشکلات و مسائل روستاها باعث از بین رفتن کشاورزی و در نتیجه عدم خودکفایی و معلا وابستگی به سایر کشورها را در پی خواهد داشت.

در یک جمع بندی کلی می‌توان برخی از مسائل و مشکلات روستاها و نواحی روستایی بدین شرح برشمرد: فقر در نواحی روستایی، نابرابری در درون روستایی روستایی، مهاجرت‌های روستایی، تخلیه روستاها، آسیب پذیری محیطی روستاها، بیکاری و مسئله اشتغال در نواحی روستایی، محرومیت در نواحی روستایی و نابسامانی نظام استقرار در روستاها و غیره(۵). بدون شک مسائل و مشکلات ذکر شده آشکارا، گویای این واقعیت است که روستاها و روستایان در طول تاریخ، چندان مورد توجه جدی قرار گرفته و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های روستایی نیز در رفع مشکلات روستاها چندان موفقیت آمیز نبوده و با قطع به رفع برخی مشکلات آنها و آن هم در کوتاه مدت منجر شده است.

این در حالی است که رفع مشکلات روستاها نیازمند، یک دیدگاه یکپارچه و پایدار بلند مدت بوده که در آن به توانمند کردن پایدار روستایان توجه ویژه‌ای داشته باشند.

انتظار می‌رود، در دهه متصف به عدالت و پیشرفت، شاهد توجه بایسته به مسائل و مشکلات مناطق روستایی کشور باشیم. به نظر می‌رسد، اندیشه راهبردی تهیه و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فرصت مناسبی را فراهم آورده است، تا با درس آموزی از تجارب گذشته، و نیز با اتکا بر آموزه‌های دینی، به بازشناسی مسائل و مشکلات مناطق روستایی کشور پرداخته و با اتخاذ راهکارها و نیز تدوین برنامه‌های اقدام بهینه و عدالت محور، در جهت پاسخ گویی به این مسائل هست گماریم.

شرایط و زمینه‌های تمقق عدالت گستری در مناطق روستایی ایران:

ایجاد اشتغال:

شاید بتوان گفت، تأمین شغل در جوامع فقیر، مهمترین وسیله برای توزیع عادلانه درآمد است. به نظر برخی از صاحب نظران حل مشکلات اشتغال روستایی بخش مهمی از معضل فقر روستایی را از بین می‌برد. از جمله عوامل نابرابری شهری و روستایی، نوع نگرش به ایجاد فرصت‌های شغلی است. چنین به نظر می‌رسد که عدم توازن در توزیع فرصت‌های شغلی بین مناطق شهری و روستایی کشور منجر به بروز انواع نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شده است (۶).

طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده در شهرها بیش از۵/۲ برابر مناطق روستایی بوده است. طی این مدت با اینکه بیش از ۳۶/۶ درصد به خیل بیکاران مناطق روستایی اضافه شده، ولی تنها حدود ۱۶ درصد به تعداد فرصت‌های شغلی این مناطق اضافه شده است. این نابرابری و شکاف اشتغال نه تنها در طول سال های بعد از پیروزی انقلاب (۱۳۶۵-۱۳۶۵) کاهش نیافته، بلکه حتی از حدود ۴ برابر سال‌های قبل از انقلاب (۵۵-۱۳۳۵) به ۵/۶۲ برابر در سال‌های بعد از انقلاب (۵۵-۱۳۶۵) افزایش داشته است. کمترین اختلاف در افزایش فرصت‌های شغلی طی سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ اتفاق افتاده است. در این ده سال به ازای ایجاد هر یک شغل در روستاها، حدود ۳/۴۲ شغل در شهرها ایجاد شده است. همچنین بیشترین اختلاف در افزایش فرصت های شغلی طی سال ۸۵-۱۳۷۵ رخ داده که به است

ازای هر یک شغل در روستاها بیش از ۷/۲۳ شغل در شهرها ایجاد شده است(۷). بنابراین، شواهد نشان دهنده این است، که سرمایه گذاری در زمینه ایجاد فرصت های اشتغال، در طول سالیان، بیشتر به سود شهرها و به ضرر روستاها بوده است. از آنجا که فعالیت غالب در روستاها کشاورزی می باشد، ضرورت ایجاد صنایع وابسته به آن در روستاها از جمله صنایع تبدیلی، بسته بندی، تولید کود و سموم کشاورزی و به طور کلی ایجاد یک ساخت کشاورزی - صنعتی از یک طرف و از طرف دیگر تنوع بخشیدن به اشتغال روستایی و توجه به فعالیت‌های غیر کشاورزی، ایجاد تعاونی های مصرف عمده فرفی- ها و خرده فروشی‌ها در روستاها با تعداد خانوار بالا از دیگر اقداماتی است که می-

تواند به توزیع اشتغال در روستاها و اجرای عدالت کمک کند.

آموزش:

بررسی‌های انجام شده در نواحی روستایی، گویای این واقعیت است که سودآوری سرمایه گذاری بر روی نیروی انسانی، بیش از سرمایه گذاری بر روی نهاده‌های تولید و تأسیسات بوده است. در واقع هر اندازه سرمایه گذاری بر روی نیروی انسانی، برای ارتقای کیفی و مهارت و تخصص جمعیت‌ها انجام پذیرد، موفقیت کارکردی مناسب‌تری را در جامعه به وجود می آورد، چه بسیار سرمایه گذاری‌ها، که به دلیل برنامه گذاریهای نادرست

انسان های غیر ماهر، نتایج مثبتی را نه دنبال ندارد. بنابراین گسترش، خدمات آموزشی، در ایجاد زمینه‌های مناسب برای توسعه اقتصادی اجتماعی نواحی روستایی

لازم است(۸).

واقع برای دستیابی به جامعه‌های پویا و پیشرفته، فراهم کردن زمینه‌های مناسب و مطلوب برای مردمان آن جامعه از ابزارهای ضروری می باشد. واقعیت این است که آنچه تا به امروز در زمینه آموزش در زمینه‌های کشاورزی و روستایی تدوین و اجرا شده است، توانسته به گونه‌ای مناسب، تحول و پیشرفت را برای جامعه روستایی و بخش کشاورزی کشور به دنبال داشته باشد(۹). لذا کاربست برنامه های آموزشی مؤثر و کارآمد، به منظور توانمند سازی روستایان، جهت بهره مندی و استفاده مطلوب از فرصت‌های توسعه، در راستای عدالت گستری و پیشرفت ضرورت می یابد.

مشارکت:

مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی بی بهره رینی بهین در سطح مختلف تولید کشاورزی می‌باشد. این مهم در گذشته از طریق نظام‌های همکاری گروهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولید کشاورزی انجام گرفته است . امروزه نیز برای دستیابی به یک فرآیند توسعه روز، ذات منکی به خود و پایدار روستایی، بازنگری به سازماندهی همکاری در نواحی روستایی، که ریشه در فرهنگ جغرافیایی این سرزمین دارند، اجتناب ناپذیر است. همچنین، مشارکت در مفهوم دقیق خود، به معنای توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیه‌کنان روستایی که کنار گذاشته شده اند، می باشد(۱۰). بنابراین هرگونه طرح و برنامه‌ای که برای روستاها تدوین می‌شود باید با مشارکت مردم باشد.

منظور از مشارکت مردم روستایی در طرح‌ها و برنامه‌ها منحصراً مشارکت در اجرا نمی‌باشد، بلکه تمام مراحل آن را در بر می‌گیرد. بر این اساس مشارکت مورد توجه تنها به دوره طراحی برنامه مربوط نمی‌شود، بلکه همه مراحل مطالعات، هدف گذاری، سیاست گذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا نظارت و ارزشیابی را در بر می‌گیرد . تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی متمرکز، آمرانه و بالا به پایین دستاوردهای مطلوبی نداشته است. هر چه سطح مشارکت محدودتر باشد، امکان پذیری اجرایی و کارآمدی برنامه کاهش خواهد یافت و هزینه‌های اجرا و نظارت مرکزی افزایش یافته، ضریب آسیب پذیری طرح‌ها و سیاست‌ها بالا خواهد رفت. بدیهی است این طرح‌ها و برنامه‌هایی که مطابق با میل و خواسته مردم نباشند و بر مردم تحمیل شود نتایج موثری نخواهد داشت. لذا انتظار می‌رود، در طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، این موضوع بسیار مهم مطرح نظر قرار گیرد.

موانع و محدودیت‌های تمقق عدالت گستری در مناطق روستایی ایران:

در یک نگاه کلی انواع موانع و محدودیت‌های تحقق عدالت گستری در مناطق روستایی را می‌توان در ابعاد مختلفی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه بندی نمود و به آنها پرداخت. در ادامه و به فراخور حال، برخی از مهمترین مؤلفه های هر یک از ابعاد فوق - در بعد اجتماعی، فقر و در بعد محیطی، پراکندگی سکونتگاه های روستایی، نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و موانع فرهنگی - مورد توجه قرار گرفته و به آنها می‌پردازیم.

فقر:

پدیده فقر، یکی از کهن ترین انواع آسیب‌های اجتماعی است که در نقش مانع و محدودیت زای تحقق عدالت

گستری در همهٔ جوامع عمل نموده است. این واقعیت که یکی از تعالیم مهم همهٔ ادیان، دستگیری و حمایت از فقراست، خود دلیل محکمی بر قدمت طولانی فقر و مسئله ساز بودن آن برای نظم اجتماعی جوامع در طول تاریخ است(۱۱). فقر یعنی خارج شدن از مدار زندگی که باعث خدشه دار شدن کرامت و تکامل انسان می‌شود یعنی فرد و یا افرادی در یک جامعه از حداقل رفاه برخوردار نباشند. پدیده شوم فقر که در روستاهای جهان سوم نفاق‌فگی است، سلامت جسمی و روحی روستایان را تهدید می‌کند و موجب افزایش مرگ و میر به ویژه در نوزادان، کودکان، مادران، افت کارایی روستایان و در نهایت تقلیل بهره وری اقتصادی کشاورزی می‌شود.

فقرای روستایی تقریباً ۶۳درصد از کل فقرای جهان را شامل می‌شوند. این مقدار در برخی کشورها نظیر بنگلادش به ۹۰ درصد می‌رسد، و در جنوب صحرای آفریقا بین ۶۵ تا ۹۰ درصد در نوسان است. تقریباً در همه کشورهای شریایی که فقرای روستایی از لحاظ مصرف شخصی، دسترسی به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، آب آشامیدنی، مسکن، حمل و نقل و ارتباطات با آن مواجه اند بسیار نامساعدتر از شرایطی است که فقرای شهری پیش رو دارند. (۱۲).

در ایران اگرچه اقدامات مربوط به تأمین اجتماعی و حمایت از فقرا و آسیب پذیران روستایی سابقه‌ای دست کم ۴۰ساله دارد اما دستاوردهای برنامه‌ها از حیث کاهش فقر و آسیب پذیری درآمدی در نقاط روستایی کشور در محور توجه نیست. ایران نیز نظیر همهٔ کشورهای در حال توسعهٔ جهان با مسئله اجتماعی فقر و از جمله با گسترده گی فقر در جامعه روستایی روبروست. شرایط و مقتضیات و امکانات حاکم بر روستاها و نگرش خاصی از زندگی و رفاه در جوامع روستایی این مناطق را از مناطق شهری بالخصوص از دیدگاه مربوط به فقر و محرومیت متفاوت می‌سازد (۱۳). براساس شاخص فقر و نابرابری توزیع درآمد

در ایران در سال ۱۳۷۵ (۹۷-۱۹۹۶) مرکز آمار ایران، درصد جمعیت زیر خط فقر شهری ۱۲/۹،

روستایی ۲۶/۰ و ملی ۱۹/۹ می‌باشد (پایگاه اطلاعات



نشریات مرکز آمارایران). به طوری که مشاهده می‌شود، درصد جمعیت زیر خط فقر در جامعه روستایی ایران بیش از دو برابر جمعیت زیر خط فقر شهری می‌باشد و این بیانگر تفاوت بین شهر و روستا و معلا ضرورت گسترش عدالت و برابری در روستاها می‌باشد. لذا توجه به این مهم در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار ضروری است.

پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی:

مسئله تعداد زیاد، کوچک بودن و پراکندگی روستاها و آبادی‌های کشور از جمله مسائلی است که همواره به عنوان مانعی برای توسعه نواحی روستایی کشور قلمداد شده و همیشه ذهن برنامه ریزان و مسئولان کشور را به خود جلب کرده است. این ذهنیت بیشتر به دلیل مشکل بودن و از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نبودن خدمات رسانی به این قبیل به روستاها به وجود آمده است(۱۴). به طور کلی امکان خدمات رسانی به روستاها پراکنده با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشد که برای خدمات رسانی به این روستاها باید با ایجاد روش‌های مختلف از جمله تجمع روستاها، فراهم کردن خدمات در روستاها مرکزی که بیشتر روستاها پراکنده به آن دسترسی دارند و... اقداماتی در جهت دسترسی و برقراری عدالت در این روستاها انجام داد. ادراک صحیح این موضوع از جمله کلیدی‌ترین موضوعات در جهت عدالت گستری در مناطق روستایی می‌باشد. لذا توجه به این مهم در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار ضروری است.

نابرابری های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی:

از جمله موانع دیگر عدالت گستری در روستاها، نابرابری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در یک قضاوت کلی می‌توان گفت، که وجود نابرابری و عدم توازن بین مناطق شهری و روستایی تا اندازه زیادی نتیجه اجرای سیاست‌های ناهمگون، برنامه ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بیش از پنجاه سال گذشته است. این عدم تعادل در بررسی شاخص‌های توسعه‌ای مناطق شهری و روستایی کشور مشهود می‌باشد. با اینکه کاهش فقر و محرومیت از اهداف سالیانه بعد از انقلاب قلمداد گردیده و گام‌های مناسبی نیز در تأمین امکانات مختلف زندگی نظیر آب آشامیدنی، راه، برق، مدرسه، تفنن و غیره در جامعهٔ روستایی برداشته شده اما هنوز فاصله امکانات روستایی با امکانات شهری بسیار است(۱۵).

نمود درآمد و اشتغال و افزایش جمعیت روستایی در سال‌های اخیر باعث مهاجرت روستایان به شهرها شده است. زمانی که جمعیت روستاها افزایش می‌یابد و محیط روستا جوگیکی آنها نیست با ورود به شهرها بر مشکلات شهرها نیز افزوده می‌شود که نمود آن را در افزایش ترافیک، افزایش میزان اجاره بهای منازل مسکونی و مغازه ها و افزایش قیمت زمین و مسکن در شهرها و تخلیه روستاها، از بین رفتن کشاورزی، خالی شدن روستاها از نیروی جوان، از بین رفتن سنت‌های

اصیل و مصرفی شدن جامعه و وابستگی کشور به محصولات استراتژیک می‌توان دید. ایجاد تأسیسات و تجهیزات گوناگون در شهرها و مراجعات مکرر روستایان برای بهره مندی آنها باعث افزوده شدن بر جاذبه شهرها و همچنین نبود این امکانات در روستاها بر دافعه روستاها افزوده است. وجود بانک‌ها و موسسات مالی، مراکز بهداشتی درمانی از جمله بیمارستان‌ها، پزشکان متخصص، مراکز آموزشی از جمله دانشگاه‌ها و موسسات آزاد آموزشی در زمینه‌های مختلف، تسهیلات حمل و نقل از جمله ترمینال‌ها و آژانس‌های مسافری هبگی بر وجود نابرابری‌ها و توزیع ناعادلانه آنها در مراکز شهری و وابسته بودن روستایان به شهرها جهت استفاده از آنها حکایت دارد. از جمله مهمترین انواع نابرابری‌های بین مناطق شهری و روستایی نابرابری درآمد می‌باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

زمینه‌ها و شرایط عدالت گستری و همچنین موانع و محدودیت‌های عدالت گستری در برگزیده موضوعات گسترده و مختلفی می‌باشد که در این مطالعه گزینیهایی از این موضوعات مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه در برگزیده نایجایی است که می‌تواند در زمینه برنامه ریزی روستایی و توسعه روستایی و تلاش بیشتر جهت برخورداری روستایان از امکانات برابر نسبت به شهرنشینان و عدالت گستری بیشتر مورد توجه قرار گیرد. برخی از مهمترین این نتایج در ادامه و به صورت فهرست وار بیان می‌شود:

۱- از جمله عوامل نابرابری شهری و روستایی کشور نوع نگرش به ایجاد فرصت های شغلی است مطالعات و شواهد نشان دهنده این است ایجاد اشتغال شهری در سنوات گذشته چندین برابر اشتغال روستایی بوده است که پیامدهای منفی را در بر داشته داشته است که این پیامدها لزوم توجه به اشتغال روستایی را ضروری می-سازد.

۲- در نواحی روستایی، سودآوری سرمایه گذاری بر روی نیروی انسانی، بیش از سرمایه گذاری بر روی نهاده‌های تولید و تأسیسات بوده است.

۳- مشارکت گسترده روستایان و ایجاد همکاری بیشتر

بین روستایان و دولت امکان هدف گذاری واقعی برنامه‌ها، متناسب با منابع موجود و خواست‌های عمومی را فراهم می‌کند.

۴- درصد جمعیت زیر خط فقر در جامعه روستایی ایران بیش از دو برابر جمعیت زیر خط فقر شهری می‌باشد و این بیانگر تفاوت بین شهر و روستا و ضرورت گسترش عدالت در روستاها می‌باشد.

۵- پراکندگی روستاها و توزیع نابرابر جمعیتی آنها یکی از موانع محیطی خدمات رسانی به روستاها محسوب می‌شود.

۶- نابرابری و عدم توازن بین مناطق شهری و روستایی نتیجه اجرای سیاست‌های ناهمگون برنامه ریزی کشور در بیش از پنجاه سال گذشته است. این عدم تعادل در بررسی شاخص‌های توسعه‌ای مناطق شهری و روستایی کشور مشهود می‌باشد.

فهرست منابع:

۱- حسینی، م، س، ر، ۱۳۸۷، معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر) فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، ش ۳، ص ۹ و۶.

۲ - عسگری، م، م، مسمی، ح، ۱۳۸۸، تحلیل نقش مؤلفه‌های توسعه انسانی در بهبود وضعیت فقر و توزیع درآمد از دیدگاه اسلامی(مطالعه موردی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی) دو فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، س ۶، ش ۱۲، ص ۹۲.

۳- ای سوری، م، ۱۳۸۸، بررسی وضعیت نابرابری متنطق-ای در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیایی و توسعه ناحیه‌ای، ش ش دوازدهم، ص ۲۰۱.

۴- توکلی، م، رحن الدین افتخاری، ع، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر اصول فرا تئوریک عدالت گستری در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات درخت بلورین، چاپ اول، ش ۱۲ و۱۴.

۵ - رضوانی، م، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، تهران: نشرقوس، صفحات۱۳۳ و ۲۴.

۶- مرسلی، م، ۱۳۸۵، بررسی نابرابری اشتغال شهری - روستایی استان آذربایجان غربی در فاصله سال های ۷۵-۱۳۴۵، فصلنامه روستا و توسعه (۲۹)۳-۱۳، ص ۷۸.

۷- پناهی، م، ۱۳۸۵، بررسی نابرابری اشتغال شهری - روستایی کشور طی سال های ۸۵-۱۳۳۵، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۱۶۳.

۸- مطعی لنگرودی، ح، ۱۳۸۲، برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، ص ۱۱۷.

۹- قنبری، ی، و برقی، ح، ۱۳۸۸، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بهره وری آموزش های روستایی، راهبرد یاس، شماره ۱۸، ص ۱۵۳.

۱۰- مطعی لنگرودی، ح، ۱۳۸۲، برنامه ریزی روستایی با تأکیدبرایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، ص ۸۲.

۱۱- زاهدی ماندرنانی، م، ج، ۱۳۸۴، فقر روستایی، روند و اندازه گیری آن در ایران(تبیین روش ها و نقد رویکرد ها)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۷، ص ۲۹۰.

۱۲- شریف زاده، ا و همکاران، ۱۳۸۲، کاهش فقر و امرار معاش پایدار فقرای روستایی: روش ها و مفاهیم، فصلنامه روستا و توسعه، ش ۲۴، ص ۷۸.

۱۳- صامتی، م، کریمی، ع، ۱۳۸۳، بررسی تأثیر هزینه های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، صفحات۲۳۴-۲۱۳.

۱۴- رضوانی، م، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر قوس، ص ۱۷۹.

۱۵- مرسلی، م، ۱۳۸۵، بررسی نابرابری اشتغال شهری - روستایی استان آذربایجان غربی در فاصله سال های ۷۵-۱۳۴۵، فصلنامه روستا و توسعه (۲۹)۳، ص ۷۸.